

# مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران: موانع و چالشهای نفت ایران

مصطفی زهرانی

## چکیده

بحث پیرامون تحریمهای اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، همواره با اساسی‌ترین پرسش همراه بوده است که موفقیت یا عدم موفقیت اینگونه تحریمهاست. مسلماً پاسخ به این پرسش مؤید عدم کارآیی دیدگاه سنتی موجود می‌باشد و حتی در خوشبینانه‌ترین حالت نیز پاسخ به چنین سنوالی بسیار بحث‌برانگیز و عاری از هرگونه قطعیت خواهد بود. شاید مشکل در اینجا باشد که ارائه تعریفی از موفقیت در چنین شرایطی مشکل‌ساز است. لازم بذکر است که در ارزیابی میزان موفقیت تحریمها، اهداف اولیه وضع تحریمها از اهمیت بسزایی برخوردار است. فرض تمامی تئوریهای اقتصادی بر این است که اگر فشار بر نقاط ضعف اقتصادی کشور تحت تحریم به اندازه کافی وارد آید، کشور مذکور مجبور به تغییر رفتار خود خواهد شد. با توجه به چنین فرضی، انرژی را می‌توان پاشنه آشیل اقتصاد ایران دانست زیرا بخش انرژی می‌تواند هدف بسیار خوبی برای تحریمهای اقتصادی باشد.

۱. عضو هیات علمی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، mostafazahrani@yahoo.com

مسئله اینجاست که در گرماگرم بحران اقتصادی که گریبانگیر کشورهای جهان شده است، ارزیابی میزان تأثیرگذاری تحریمهای اقتصادی بسیار مشکل است، زیرا مهمترین پیش شرط موفقیت چنین تحریمهایی، همانا اجماع بین‌المللی است که در چنین شرایطی محقق شدن چنین چیزی مشکل به نظر می‌رسید.

## واژه‌های کلیدی: تحریمها، اقتصاد ایران، تحریم هوشمند، سرمایه‌گذاری، موفقیت تحریم

### مقدمه

در بحث تحریم‌های اقتصادی مهم‌ترین سؤال، میزان موفقیت آن است. در راستای همین سؤال، انگیزه‌های تحریم، مدت زمان و طول تحریم، ارتباط آن با ابزار نظامی و جایگاه آن در دیپلماسی و سیاست خارجی نیز مطرح می‌شود. از طرف دیگر، کاربرد بحث‌های نظری در این مورد به دو دلیل حائز اهمیت است. اول، با وجود انبوهی از داده‌ها که می‌تواند منجر به سردرگمی محقق شود، نظریه این امکان را می‌دهد، تا داده‌ها طبقه‌بندی شده و با رهیافتی خاص، تشویش فکری به حداقل رسانده می‌شود. دوم، مباحث نظری این امکان را فراهم می‌آورد تا با ارائه پیش‌بینی‌ها به‌سوالات، پاسخ داده شود. بر این اساس در این قسمت ابتدا به چارچوب مفهومی بحث، توجه می‌شود.

### چارچوب مفهومی

در سطح معرفتی این اشتراک نظر وجود دارد که تحریم، موضوعی میان رشته‌ای است؛ یعنی نه تنها زوایای اقتصاد سیاسی بین‌المللی، بلکه مباحث حقوقی، جامعه‌شناسی و از همه مهم‌تر روانشناسی اجتماعی را در برمی‌گیرد. بر اساس اقتصاد - سیاسی بین‌الملل، تحریم اقتصادی ابزاری در خدمت سیاست خارجی کشورهاست؛ زیرا، تجارت می‌تواند اهمی برای تنه طرف مقابل باشد؛ بدون آن که از نیروی نظامی استفاده شود.<sup>۱</sup> به‌گفته گیلپین، تحریم اقتصادی به‌معنای مداخله‌گری در روابط اقتصادی با اغراض سیاسی است.<sup>۲</sup> الکساندر جورج نیز معتقد است، تحریم اقتصادی نوعی دیپلماسی اجبار است که در آن آمیزه‌ای از زور و دیپلماسی به‌صورتی هدفمند استفاده می‌شود تا دشمن را که

1. Fiona McKenzie, 2003  
2. Merom, 1990

به دنبال تغییر وضع موجود است، و یا هم‌اکنون وضع موجود را دگرگون ساخته است، و ادار نماید تا در تصمیم خود تجدید نظر کند.<sup>۱</sup>

تحریم اقتصادی اهرمی است که کشور مخالف را به این نتیجه می‌رساند که هزینه تمکین در برابر خواست کشور تحریم‌کننده، کمتر از هزینه ناشی از اعمال تحریم اقتصادی علیه آن کشور است.<sup>۲</sup> بنابراین، نظریه‌های تحریم اقتصادی با قدرت اقتصادی کشورها، دارای رابطه مستقیم است.<sup>۳</sup> مفروض اصلی این نظریه‌ها این است که کشور تحت تحریم به‌ناچار از مواهب رفاه اقتصادی محروم می‌شود و در نتیجه به‌خواست کشور یا کشورهای تحریم‌کننده، تن می‌دهد.<sup>۴</sup> در واقع در این چارچوب است که طرفداران تحریم، مبانی نظری خود را تنظیم می‌کنند.<sup>۵</sup>

برخی از نظریه‌پردازان تحریم اقتصادی را در قالب دیپلماسی اتصال<sup>۶</sup> یا اتصال موضوعی<sup>۷</sup> تحلیل می‌کنند. دیپلماسی اتصال یک فن نفوذ است. در این فرایند دولت‌ها با سیاست‌های خاص، موضوعات به‌ظاهر نامربوط را وارد بازی می‌کنند تا در موضوعات اصلی، کسب امتیاز نمایند. به این معنا که از حوزه‌ای که دارای قدرت هستند، بر روی حوزه ضعف طرف مقابل، اثر می‌گذارند. تحریم نفت اعراب علیه غرب در سال ۱۹۷۳، نمونه‌ای از این نوع دیپلماسی است؛ زیرا کشورهای عربی عضو اوپک تحویل نفت به‌غرب را منوط به تغییر سیاست غرب در منطقه کردند. دولت‌های قدرتمند نیز از این ابزار بهره‌برداری می‌کنند؛ مثلاً، فرانسه پذیرش عضویت بریتانیا در جامعه اقتصادی اروپا را وابسته به این امر کرده بود که انگلستان روابط نظامی خود با آمریکا را پایان بخشد. این دیپلماسی بر اساس اجبار یا ترغیب یا وعده پاداش در برابر تنبیه عمل می‌نماید. اما برخی رفتار مطیعانه طرف مقابل را منوط به نفوذ و اثرگذاری می‌دانند. در این روش اتصال و ارتباط موفقیت‌آمیز نه به‌خاطر اجبار یا ترغیب، بلکه به‌دلیل القای تدریجی ارزش‌ها صورت می‌گیرد.

در نظریه ارتباط موضوعی، سه فرایند مهم به‌نام‌های اطاعت<sup>۸</sup>، شناسائی<sup>۹</sup> و

1. George Alexander, 1993 L.p. xi

2. Elliot, 2003

3. Merom, 1990

4. Van Bergcijk, 1989

5. Cortright & Lopez, 1995

6. Linkage Diplomacy

7. Issue Linkage

8. Compliance

9. Concessance

درونی‌سازی<sup>۱</sup> مطرح است که از دو ویژگی تعامل (رسوخ و ایدئولوژی) ناشی می‌شوند. هر فرآیندی نیز مستلزم شرایط متفاوتی برای موفقیت است.<sup>۲</sup> اول، عناصر ملموس مثل اقتصاد؛ دوم، عوامل سمبلیک و نمادین مانند ارزش‌هایی مثل سرزمین، شخصیت‌ها و سیاست‌ها؛ سوم، فاکتورهای متعالی<sup>۳</sup>. مثلاً، جنگ علیه ترور و دفاع از حقوق بشر و دموکراسی. در این نظریه هر چقدر هدف بیشتر سمبلیک شود، امکان موفقیت تحریم نیز به‌حداقل تنزل پیدا می‌کند.<sup>۴</sup>

در سطح سیاست بین‌الملل، دو منطق متفاوت در زمینه عملکرد کشورها در تحریم دیگران ارائه می‌شود. نظریه‌های متداول چنین فرض می‌کنند که نظام بین‌الملل، دارای واحدهای سیاسی برابر بوده و خود نظام نیز در وضعیت آنارشی قرار گرفته است. بر این اساس در نظامی که یک حکمرانی جهانی وجود ندارد که همانند داخل کشورها بتواند نظم سیاسی را برقرار نماید، کشورها نیز بر اساس اصل خودیاری<sup>۵</sup> برای دفاع از خود دست به اقداماتی از قبیل تحریم می‌زنند.

در طرف مقابل، نظریه فیلسوفان و جامعه‌شناسان قرار دارد. از دید این گروه، در تنبیه، باید نوعی سلسله مراتب موجود باشد تا یک بازیگر بتواند در سطح بین‌المللی علیه بازیگری دیگر تحریم اعمال کند. از این نظر، کشورها را نباید بازیگران برابر فرض نمود.<sup>۶</sup> یکی از مکاتب حقوق بین‌الملل نیز بر اساس اصل حاکمیت به دولت‌ها حق می‌دهد در امر سیاست خارجی علیه دیگر کشورها دست به تحریم بزنند.<sup>۷</sup> بر پایه نظر فیلسوفان و جامعه‌شناسان تنبیه، تحریم اقتصادی در واقع اقدام قدرت برتر علیه کشور فرودست به‌منظور تنبیه آن و در پاسخ به اتخاذ رفتاری است که مورد میل بازیگر هژمون نبوده است. این اقدام قدرت برتر یا هژمون نیز نه به‌خاطر حفظ و بقاء نظم هژمونیک، بلکه به‌منظور برقراری نوعی هنجار جدید در سطح بین‌المللی است که مطابق با خواست‌ها و نیازهای کشور هژمون باشد.<sup>۸</sup>

1. Intenalization

2. Dean Lacy and, Emerson M. S. Niou, 2007

3. Transendence

4. Nossal, 1989

5. Self help

6. Elliott, 2003

۷. توضیح آن که در حقوق بین‌الملل در مورد وضع تحریم‌ها توسط دولت‌ها سه مکتب وجود دارد ۱. مکتبی که

تحریم‌ها را منع می‌کند؛ ۲. مکتبی که نسبت به تحریم‌ها بی‌نظر است؛ ۳. مکتبی که بر اساس حق حاکمیت ملی به

دولت‌ها اجازه می‌دهد علیه دیگران تحریم اعمال کنند (Stephen C. Neff, 1989:67-92)

8 . Ann Elliott, 2003

معمای دیگری که در نظریه‌های تحریم دیده می‌شود این است که با وجود تمامی تلاش‌هایی که توسط نظریه‌پردازان صورت گرفته است، یک سؤال اساسی همچنان بدون پاسخ مانده و آن این است که تحت چه شرایطی تحریم اقتصادی موفق خواهد بود؟<sup>۱</sup> در پاسخ، برخی از تحقیقات مبنای موفقیت تحریم را اهداف آن می‌دانند. بسیاری نیز بر این نظر هستند که آنچه تعیین‌کننده است، ارزش آن چیزی است که دو طرف بر سر آن اختلاف دارند و به آن منظور با یکدیگر درگیر شده‌اند. عامل دیگر نوع نظام سیاسی است. از این حیث، نظر این است که به‌میزانی که کشور هدف، دمکراتیک‌تر باشد و اقتصاد آن نیز به‌کشور یا کشورهای تحریم‌کننده وابستگی بیشتری داشته باشد، به‌همان میزان شانس موفقیت تحریم نیز بیشتر است.<sup>۲</sup> بنابر این، طبق نظر برخی از محققین از جمله Lektzian and Souva تحریم اقتصادی علیه حکومت‌های غیردمکراتیک، شانس موفقیت چندانی ندارد؛ زیرا رهبران این نوع از حکومت‌ها برای ایجاد ائتلاف داخلی و مقابله با آثار تحریم، مشکل چندانی ندارند.<sup>۳</sup>

برخی از نظریه‌پردازان نیز تلاش کرده‌اند تا مجموعه‌ای از معیارها را در زمینه موفقیت تحریم ارائه کنند. الیوت نظریه‌پرداز تحریم‌های اقتصادی چند مشخصه برای شانس موفقیت تحریم مطرح کرده‌است. اول، هرچه هدف تحریم‌ها کم‌دامنه‌باشد، شانس موفقیت تحریم بیشتر است؛ زیرا، کشور تحریم‌کننده این امکان را به‌دست می‌آورد تا دیگر کشورها را در پیوستن به تحریم باخود همراه نماید. دوم، ضعف اقتصادی در کنار بی‌ثباتی سیاسی کشور تحریم‌شده عامل مهمی در موفقیت تحریم‌هاست. سوم، هرچه تحریم‌کننده و تحریم‌شونده رابطه‌ای دوستانه‌تری داشته باشند و از حجم مبادلات اقتصادی بالایی هم برخوردار باشند امکان موفقیت تحریم بیشتر است. چهارم، هر چه سرعت و دقت تحریم بیشتر باشد شانس موفقیت تحریم افزایش می‌یابد. پنجم، هرچه هزینه تحریم برای کشور تحریم‌کننده کمتر باشد، شانس موفقیت تحریم نیز زیادتر می‌شود. علاوه بر این، همکاری بین‌المللی برای اعمال تحریم به‌عنوان شرطی است که نظریه‌پردازان نسبت به آن اجماع نظر دارند.<sup>۴</sup> از دید نظریه دیپلماسی اتصال وقتی موضوعات مورد مناقشه ملموس و مشخص‌اند، دستیابی به همکاری آسان‌تر است؛ بنابر این سیاست‌های ارتباطی که در تعقیب موضوعات محتوایی هستند، موفق‌تر از سایر موارد می‌باشند.

1. Bruce W. Jentleson :126

2. All Accademic, 2008

3. David Lektzian, Mark Souva

4. George, Alexander L. Forceful Persuasion, 2003

## چالش‌های تحریم

تحریم‌های اقتصادی چالش‌های زیادی دارند. اول، معمولاً تهدید اگر اعتبار کافی نداشته باشد، فشار بی‌نهایتی را طلب می‌کند. بعلاوه تحدید به‌خودی خود باعث ناآرامی و اضطراب می‌شود؛ امری که بر عقلانیت تصمیم‌گیری طرف مقابل اثر منفی به‌جای می‌گذارد و مسأله‌ای را نیز حل نمی‌کند.<sup>۱</sup> دامنه کار به‌حدی است که به‌دلیل عدم موفقیت، کشور تحریم‌کننده به‌ناچار از نیروی نظامی استفاده می‌کند. این در واقع خلاف منطق اصلی بکارگیری تحریم اقتصادی است؛ زیرا، همان‌طوری که در تعریف اولیه از تحریم بیان شد، تحریم به‌منظور استفاده نکردن از نیروی نظامی در نظر گرفته می‌شود.

بر پایه این تحلیل، صرف‌نظر از این که هدف تحریم‌کننده چه باشد، ممکن است تحریم اقتصادی منجر به جنگ شود. تاریخ گذشته و معاصر، نمونه‌هایی از تحریم اقتصادی که در نهایت تبدیل به جنگ شده است را نشان می‌دهد. در قرن پنجم پیش از میلاد، پریکل امپراتور آتن علیه یکی از شهر - کشورها که با دشمن امپراتور همدست شده بود، تحریم تجاری وضع کرد. هدف امپراتور این بود تا نشان دهد هرکس که اقتدار امپراتور را به‌چالش کشد، تا مرز جنگ تنبیه خواهد شد. در واقع علی‌رغم این که هدف امپراتور از وضع تحریم جنگ نبود، اما تحریم مزبور منجر به جنگی شد که ۳۰ سال ادامه یافت. مشابه این وضعیت بین آمریکا و ژاپن اتفاق افتاد. در واقع حمله ژاپن به پل‌هاربر در پاسخ به تحریم شدید آمریکا علیه این کشور بود. آمریکا نیز متقابلاً وارد جنگ جهانی دوم شد. تحریم آمریکا علیه عراق در زمان صدام حسین نیز در نهایت به همین سرنوشت دچار گردید.<sup>۲</sup>

نکته دیگری که در تحریم‌ها وجود دارد، آثار منفی آن بر روی مردم عادی است. به‌گفته Louis Kreisberg تحریم‌های اقتصادی اعمال شده بعد از جنگ سرد، به‌حدی مخرب بوده‌اند که تلفات، ناشی از آن بسیار بیشتر از کشته‌های سلاح‌های کشتار جمعی بکار گرفته شده در طول تاریخ است.<sup>۳</sup>

این عامل باعث شد تا تحریم به‌اصطلاح هوشمند مطرح شود. ادعا این است که تحریم همه‌جانبه تمام مردم، و تحریم هوشمند تنها نخبگان دولتی در قسمت‌های مهم را هدف قرار می‌دهد. اما مشکل تحریم هوشمند نیز این است که اثر چندانی ندارد. از

1. M. Shane Smith

2. Fiona McKenzie 2003

3. M. Shane Smith, 2004

این رو توصیه می‌شود افرادی هدف تحریم‌های هوشمند قرار گیرند که مسولیت اتخاذ سیاست‌هایی را عهده دارند که کشور تحریم‌کننده با آن سیاست‌ها مخالف است.<sup>۱</sup>

با این همه، در نهایت بسیاری از نظریه‌پردازان به این نتیجه رسیده‌اند که در حل و فصل منازعات، مشوق بیش از تحریم و فشار اثرگذار است؛ زیرا در این صورت، احتمال درگیری کاهش می‌یابد و طرف مقابل نیز زمینه برای نوعی معامله‌کردن پیدا می‌کند. از دید دیوید بالدوین، تهدید پیام خشونت، ناآرامی و ترس را به دنبال دارد، در حالی که محرک‌های مثبت می‌تواند همکاری و نیت خوب و امید را القا کند. در این دیدگاه حتی اگر مشوق، باجگیری تلقی شود، با این حال منجر به رفتاری تحریک‌آمیز نمی‌شود. در ضمن، مشوق می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای ایجاد انشقاق هم به کار رود. هنگامی که افرادی مشخص، از جامعه منزوی شده باشند، محرک‌های مثبت می‌تواند زمینه‌ساز اثرگذاری فزاینده برای تغییر در دیگر بخش‌های کشور هدف که از مشوق‌ها منتفع می‌شوند، به‌وجود آورد. این امر در صورت همکاری حکومت کشور تحریم‌شده ایجاد می‌شود. در این مرحله از دید مدل نظریه‌بازی‌ها در زمینه اجبار اقتصادی، هنگامی که کشوری، مصالحه را بر پذیرش خسارت ترجیح دهد، زمینه تسلیم‌شدن حتی قبل از اعمال تحریم را نیز دارد. از این جهت، بر اساس مدل تئوری بازی‌ها، صرف تهدید به تحریم برای موفقیت آن کفایت می‌کند و در غیراین صورت نباید اعمال شود.<sup>۲</sup>

### هدف و انگیزه

اصولا تحریم به‌عنوان دیپلماسی اجبار مشتمل بر آمیزه‌ای از دیپلماسی و تهدید است. با این همه، عنصر تنبیه به‌عنوان هدف در همه تحریم‌ها وجود دارد. اما سوال این است که خود تنبیه برای چیست؟ در مواردی بی‌هدفی تنبیه به‌حدی است که برخی حتی انگیزه اصلی تحریم‌کننده را سادیسیم می‌دانند. اما بعضی از تنبیه‌ها برای وصول به هدف اعمال می‌شود. چنین تنبیهی مبتنی بر نوعی از عقلانیت است. با این حال تحریم‌های دارای عقلانیت خود بر دو نوع است: ۱. اجبارکننده<sup>۳</sup>؛ ۲. کنترل‌گرایانه.<sup>۴</sup>

این دو نوع تحریم، از سه جنبه با هم متفاوت هستند: ۱. هدف؛ ۲. مخاطب؛ ۳. نحوه اجرا (مثلا، آشکار یا پنهان و یا آمیزه‌ای از آشکار و پنهان) فرض در تحریم‌های

1. Cortright, David and George Lopez

2. Daniel Drezner 2003: 57

3 coercive

4 manipulative

اجباری این است که طبقه خاصی از جامعه یعنی نخبگان دولتی هدف هستند. البته نظریه پردازان تحریم بر این عقیده هستند که هرچه قدر تحریم، هوشمند باشد و تنها نخبگان را هدف قرار دهد، این مردم عادی هستند که در نهایت تحت فشار قرار خواهند گرفت. تمایز دوم این که تحریم اجباری آشکارا اعمال می شود، ضمناً هدف اصلی تحریم اجباری تغییر رفتار است.

اما در تحریم کنترل گرایانه، هدف اصلی، تغییر رژیم و بی ثبات سازی است. از این رو مخاطب اصلی آن هم مردم عادی هستند. به لحاظ عملیاتی نیز تحریم کنترل گرایانه آمیزه‌ای از رفتار آشکار و عملیات پنهانی است. همچنین، تحریم اقتصادی با هدف تغییر رژیم یک مفروض اساسی دارد: وابستگی اقتصادی، منجر به ناآرامی و شورش سیاسی می شود. بنابر این اگر این وابستگی تشدید شود، زمینه بی ثباتی و در نهایت تغییر حکومت فراهم می شود. بر پایه این بحث در ورای ذهن معتقدین به موثر بودن تحریم با هدف تغییر حکومت، نظریه وابستگی از نوع مارکسیستی وجود دارد؛ نظریه‌ای که اقتصاد را زیربنا و عامل اصلی رفتار اجتماعی - سیاسی می داند. برپایه این تحلیل هرچه کشور تحریم شده وابستگی بیشتری به اقتصاد بین الملل و یا به کشور اعمال کننده تحریم داشته باشد، احتمال موفقیت تحریم بیشتر می شود.

با این حال، در کنار مکتب مارکسیستی وابستگی، مکتب آمریکای لاتین قرار دارد. از دید چپ‌های آمریکای لاتین، این مفروض که رابطه مستقیمی میان وابستگی اقتصادی و انگیزه‌های سیاسی افراد وجود دارد صحت ندارد. شاهد مثال این که معمولاً تحریم‌های یک جانبه آمریکا در قبال کشورهای بوده است که وابستگی اقتصادی آنها نیز به آمریکا زیاد بوده است؛ مانند کوبا و شیلی و یا ایران در اوایل انقلاب اسلامی. این در حالی است که حکومت آئنده در شیلی با وجود آن که وابستگی اقتصادی کمتری در مقایسه با کوبا به آمریکا داشت، دچار بی ثباتی و در نهایت سرنگونی گردید ولی نظام سیاسی کوبا همچنان برقرار ماند.

در پاسخ مطرح می شود که تعداد فاکتورهایی که باعث شود این آسیب پذیری اقتصادی منجر به ناآرامی سیاسی - اجتماعی نشود، زیاد است. با مقایسه دو کشور شیلی و کوبا نکات قابل توجهی به دست می آید.

یک عامل بسیار مهم، رهبری در جامعه تحریم شده است. رهبری با مشروعیتی بالا، می تواند مانع مهمی در موفقیت تحریم در بی ثبات سازی شود. همچنین تاثیر ارزش های اجتماعی را نمی توان نادیده گرفت. یک جامعه مصرفی به دلیل ارزش های مرتبط با آن، سریعتر و بیشتر تحت تاثیر فشارهای اقتصادی قرار می گیرد. نکته مهم



دیگر، نقش طبقه متوسط اقتصادی در جامعه‌ای است که مورد تحریم قرار گرفته است. از دید حامیان نظریه تحریم از آنجا که طبقه متوسط به‌طور معمول خواست سیاسی پیدا می‌کند، از این‌رو هرچه میزان طبقه متوسط نسبت به طبقه ضعیف و نیز طبقه ثروتمند بیشتر باشد، امکان موفقیت تحریم هم بالا می‌رود. بنابراین مخاطب قرار دادن و ایجاد مضیقه اقتصادی برای این بخش از جامعه، میل به تغییر و بی‌ثبات‌سازی و انقلاب را در آنان افزایش می‌دهد.

عامل دیگری که در راستا و همسو با طبقه متوسط جامعه در برابر تحریم عمل می‌کند، بروکراسی و یا به‌اصطلاح ماشین اجرایی نظام سیاسی است. بروکراسی نیز همانند طبقه متوسط جامعه هر چه حجم وسیع‌تری داشته باشد، تحریم با هدف بی‌ثبات‌سازی، موفق‌تر است. بنابر این دولت بزرگ در خدمت موفقیت تحریم‌های اقتصادی است. مخصوصاً هنگامی که این متغیر در کنار طبقه متوسط قرار می‌گیرد، روند بی‌ثباتی و تغییر رژیم تسریع می‌شود. در ضمن باید در نظر داشت که هرچه نهادهای حکومتی کشور مورد تحریم، جا افتاده‌تر و با تجربه‌تر باشد، امکان موفقیت تحریم هم کمتر می‌شود. تسلط رهبری بر نهادهای حکومتی و در راس آن نهادهایی که باعث نظم و اقتدار است نیز به‌عنوان مکمل، ایفای نقش می‌نماید.

تجربه کشور تحریم شونده در مدیریت فشارهای ناشی از تحریم‌ها و قدرت مانور آن در تجارت و مسایل اقتصاد بین‌الملل نیز از موانع مهم موفقیت تحریم‌های اقتصادی است. دو عامل در این زمینه حائز اهمیت است. اول، هر چقدر کشوری که مورد تحریم قرار می‌گیرد، با تعدادی بیشتر از کشورها هم‌مرز باشد به‌همان میزان قدرت مانور بیشتری برای مقابله با محدودیت‌های تجاری دارد. دوم، هر چه نظام بین‌الملل قطب‌های اقتصادی بیشتری داشته باشد، امکان کمتری در ایجاد اجماع علیه کشور تحریم شده وجود خواهد داشت.

### کارآمدی نظریه‌های تحریم در مورد جمهوری اسلامی ایران

با ارائه چارچوب نظری عنوان شده، اکنون بهتر می‌توان تحریم‌ها علیه کشورمان را تبیین نمود. اولین مفهوم مورد بحث، تنبیه است. چون انقلاب اسلامی ایران باعث تحقیر آمریکا بوده است، از این رو برخی در آمریکا اصرار بر تنبیه ایران بدون توجه به تبعات و نتایج کار دارند. بنابراین، از این زاویه آن چه هست تنبیه برای تنبیه است. با این حال شواهد و قرائن بسیار زیادی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد رفتار آمریکا باید در چارچوب این نظریه تبیین شود که این کشور راه‌حلی جز تحریم اقتصادی در برخورد

با جمهوری اسلامی ایران ندارد.

ماهیت تحریم‌ها علیه ایران را می‌توان بر اساس مناقشه کلان بین ایران و آمریکا تحلیل کرد. مناقشه ای که بر پایه سه پارادایم قابل تبیین است. این سه پارادایم عبارت‌اند از: ایدئولوژی؛ ژئوپلیتیک؛ و یا سوء برداشت. جمهوری اسلامی ایران با آمریکا نزاع ژئوپلیتیک بر سر موضوعاتی مثل مرز و مولفه‌های سخت افزاری همچون رقابت نظامی نداشته است. البته اکنون که عراق به اشغال این کشور درآمده، برخی در آمریکا مدعی هستند که آمریکا با جمهوری اسلامی ایران همسایه شده است و این می‌تواند در مواردی زمینه‌ساز برخوردهای نظامی بین دو کشور شود. با این حال، به جز مورد عراق و حضور آمریکا در این کشور که می‌تواند گذرا باشد، ماهیت مناقشه ایران و آمریکا ژئوپلیتیک نیست.

اگر ماهیت دعوا ایدئولوژیک فرض شود، هدف احتمالی تحریم‌ها همان چیزی است که در مورد شوروی سابق اعمال شد که در نهایت منجر به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شد. از این منظر موضوعاتی هم که از ناحیه آمریکا مطرح می‌شود، بهانه‌ای بیش نیست. یعنی حتی اگر ایران تعلیق را هم بپذیرد و به فرایند صلح خاورمیانه هم بپیوندد و یا در جنگ لبنان و فلسطین با اسرائیل هم دخالت نکند، باز هم تضمینی وجود ندارد که آمریکا از بهانه‌جویی دست بردارد. این همه در صورتی است که ماهیت نزاع بین دو کشور ایران و آمریکا هویتی فرض شود. اما چنانچه ماهیت مخاصمات ایران و آمریکا بر اساس سوء تعبیر تحلیل شود که در نهایت با اعتمادسازی و گفتگو هم حل و فصل گردد، تحریم نیز در چارچوب گفتگو و مذاکره حل و فصل می‌شود. در طرف مقابل، در چارچوب پارادایم یاد شده، بعضی در غرب بر این عقیده هستند که ایران باید به این احساس برسد که پذیرش تعلیق برنامه هسته‌ای، خسارت کمتری نسبت به خسارات ناشی از اعمال تحریم دارد.

مهم‌ترین عامل در ارزیابی تحریم‌های اقتصادی، هدف و انگیزه آن است. از این حیث، آمریکا در یک بی‌تصمیمی است که خود ناشی از بن‌بست داخلی با ماهیتی سیاسی و ایدئولوژیک است. حتی نئومحافظه‌کارانی که مدعی هستند که منسجم هستند هم در این مورد اتفاق نظر ندارند. در حالی که اکثریتی از نخبگان آمریکایی بر تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران نظر دارند، تعدادی از افراد که ضمناً قدرتمند هستند همچنان از تغییر حکومت سخن می‌گویند. از این رو باید هدف آمریکا از تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران سیال فرض شود؛ بنابر این، تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران بین دو نوع اجبارکننده و مداخله‌گرایانه در نوسان است. با این حال، معادله بین

طرفداران تغییر رفتار و تغییر رژیم، تحت شرایطی می‌تواند یک‌سویه گردد؛ یعنی، یکپارچه به سمت تغییر رژیم و یا به سمت تغییر رفتار برود. از این رو عواملی که می‌توانند این معادله را تغییر دهند، اهمیت پیدا می‌کند. عوامل مهم این تغییر در این قسمت بحث می‌شود.

عملکرد جمهوری اسلامی ایران و نیز تحولات سیاسی درون آمریکا از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند معادله مورد بحث را برهم زند. فاکتور موثر دیگر، بحث‌های منطقه‌ای است. اگر بن بست آمریکا در عراق و افغانستان نبود، هدف آمریکا به‌سادگی به تغییر حکومت میل می‌کرد. به‌رحال یک‌دلیل که آمریکایی‌ها در بحث تحریم‌های خود موفق نیستند این است که نمی‌توانند در مورد هدف به‌اجماع نظر برسند.

در این میان، موضوع اسرائیل نیز نقش ویژه‌ای دارد. از این حیث برای اولین بار ایران به‌عاملی تبدیل شده است که می‌تواند رابطه میان آمریکا و اسرائیل را تحت تاثیر قرار دهد. این عامل بی‌اندازه اسرائیلی‌ها را نگران نموده است. این نکته نیز باید مورد توجه باشد که سؤال در مورد جایگاه اسرائیل در منافع ملی آمریکا چندسالی است برای اولین بار در بین نخبگان آمریکائی مطرح شده است. از این حیث به‌مرور اسرائیل دچار بحران هویت در داخل آمریکا می‌شود. بحث‌های هولوکاست و سپس طرح ناپودی اسرائیل شدیداً برای مقابله با این بحران هویت مورد سوءاستفاده اسرائیل قرار گرفت. تلاویو آمیدی به‌موفقیت تحریم علیه ایران ندارد. از این حیث می‌توان ادعا کرد که اسرائیل به‌دنبال تکرار مدل عراق در قبال ایران است. اگر چنین باشد این فرضیه تائید می‌شود که ضعف اساسی تحریم‌ها این است که چون موفق نمی‌شود، تحریم‌کنندگان لاجرم سطح فشار را افزایش می‌دهند و در نهایت نیز از قوه قهریه استفاده می‌کنند.

منابع انرژی و نفت خلیج‌فارس نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده تحولات و تغییر در معادله قدرت در آمریکا دارد. قبل از افزایش بهای نفت، مخالفین جنگ علیه ایران هشدار می‌دادند که در صورت درگیری نظامی بین ایران و آمریکا، بهای نفت به‌هر بشکه یکصد دلار خواهد رسید. اما در زمانی که قیمت نفت به‌هر بشکه حتی بیش از یکصد و چهل دلار هم رسید، طرفداران جنگ ادعا نمودند با این قیمت نیز اقتصاد جهانی کنترل شده است. پس اگر با جنگ علیه عراق و فشار و تحریم، نفت این کشور برای سه سال از بازار خارج شد و اقتصاد بین‌الملل کنترل شد، اکنون نیز در مورد ایران همین اتفاق تکرار خواهد شد.

عامل مهم دیگر این است که غرب وابستگی ایران را به واردات بنزین در داخل کشور به‌عنوان آسیب‌پذیرترین نقطه در نظر می‌گیرد. رئیس اسبق سازمان سیا (ولسی)،

که جنگ علیه عراق را نیز تحریک نمود و موضع ضد ایرانی شدیدی هم دارد، پاشنه آشیل جمهوری اسلامی ایران را بنزین می‌داند.<sup>۱</sup> در نظریه بی‌ثبات‌سازی بر این اساس شاید این فاکتورها در ذهن حامیان تحریم اقتصادی علیه ایران به‌عنوان مشوق ایفای نقش نماید. چنانچه این دو عامل برجسته شود، تبیین تحریم علیه ایران بر اساس مدل مداخله‌گرایانه باید صورت گیرد. در ایران هم طبقه متوسط گسترده است و هم دولت بزرگتر از حد معمول است.

برخی نیز اظهار می‌دارند که مشکل ایران به‌مدیریت ناصحیح داخلی آن باز می‌گردد. نفت در حال حاضر با قیمت بالایی در دست آنهاست اما این کشور در ابعاد مختلف بحران جدی دارد. مشکلات ساختاری صنعت نفت ایران به‌حدی است که حتی نمی‌تواند از سهمیه خود در اوپک به‌اندازه کافی بهره‌برداری کند. رشد اقتصادی ایران نیز ناشی از جهش قیمت نفت است و نه برنامه‌ریزی دولت،<sup>۲</sup> بنابراین، یک نظر این است که یا نباید به تحریم دست زد، یا تحریم به‌حدی جدی و شدید باشد که حکومت احساس فاجعه<sup>۳</sup> نماید و در نهایت تسلیم شود. دیدگاه مقابل این است که تحریم‌ها باید تدریجی باشد و نه ضربتی. این نظر در واقع بر اساس تجربه جنگ ایران و عراق و فشارهای اقتصادی آن زمان علیه ایران ارائه می‌شود که در نهایت باعث شد جمهوری اسلامی ایران قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را بپذیرد.

مطلب دیگر تجربه نظام در برخورد با تحریم‌های اقتصادی است. به‌عنوان نمونه در ایران پس از انقلاب اسلامی، تحریم اثر بیشتری داشت و سریعاً نیز اضطراب به‌وجود می‌آورد. اگر نقش امام و ایدئولوژی انقلاب و بسیاری از فاکتورها و ارزش‌های اجتماعی که ناشی از دین و مسجد و اعتقادات بود وجود نداشتند، تحریم می‌توانست بسیار آسیب‌رسان باشد، اما اکنون این اثرگذاری تا حد زیادی کمتر شده است. در وضع حاضر تجربه جمهوری اسلامی در مقابله با تحریم‌ها مانعی در برابر موفقیت آن است.

نکته آخر این که قوه مقننه در آمریکا بسیار تعیین‌کننده است. اکنون بیش از هر زمان کنگره در امر سیاست خارجی آمریکا ایفای نقش می‌کند. ضمناً هم مجلس نمایندگان و هم مجلس سنا از ورود آمریکا به‌جنگی دیگر نگران هستند. از این رو هر اقدامی را انجام خواهند داد تا چنین جنگی شکل نگیرد و از آن‌جا که تحریم بدیلی در

1. Fox News, 2008

2. Clawson, Patrick, 2007

3. Catastrophe

برابر جنگ است، از این رو کنگره آمریکا بیش از قوه مجریه آن کشور بر تحریم علیه ایران پافشاری می‌نماید. کنگره حتی نهایت فشار را بر جرج بوش وارد می‌سازد تا تحریم‌های موجود را بطور کامل و بدون استثنا اعمال کند.

همین منطبق در برابر اروپا، روسیه و چین نیز کارساز بوده است. از این حیث، در واقع واشنگتن اروپایی‌ها را تهدید می‌کند که چنانچه سیاست تحریم علیه ایران را نپذیرند، راهی جز جنگ وجود نخواهد داشت. در واقع با همین تهدید، پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارجاع داده شد. بر این اساس به نظر می‌رسد مانورهای نظامی آمریکا و اسرائیل در منطقه خلیج فارس و در اطراف مرزهای جمهوری اسلامی ایران نیز برای درونی‌سازی و نهادینه کردن همین ایده باشد. بنابراین، این مانورها تنها با هدف قدرت نمایی در برابر ایران نیست؛ بلکه چین، روسیه و اتحادیه اروپایی نیز مخاطب اصلی این جنگ روانی به حساب می‌آیند.

باید گفت اگر چه مانورهای نظامی آمریکا و اسرائیل در اطراف جمهوری اسلامی ایران نوعی جنگ روانی و یا دیپلماسی ارباب است، اما این جنگ روانی ممکن است به‌طور ناخواسته تبدیل به جنگ واقعی شود. سوال مهم این است که تحت چه شرایطی این قبیل تحریم‌ها که همراه با پشتیبانی و حمایت نمایش قدرت نظامی است، منجر به جنگ می‌گردد؟ همان‌طور که در بخش نظری گفته شد، بی نتیجه بودن تحریم باعث می‌شود تا تحریم‌کنندگان ابزارهای جدیدی وارد معادله نمایند که تهدید به جنگ مهم‌ترین آنهاست. مشکل این است که تهدید به جنگ ممکن است تبدیل به جنگ شود، حتی اگر کشور تهدیدکننده قصد واقعی جنگ را نداشته باشد. اتفاق و حادثه که خود از تبعات جنگ روانی است، می‌تواند زمینه‌سازی برای درگیری نظامی به حساب آید. برای همین است که برخی، برخوردهای قایق‌های ایرانی و آمریکایی را زمینه‌ساز شکل‌گیری جنگ به حساب می‌آورند؛ جنگی که خود به خود آغاز می‌شود.

پارامتر دیگری که در این بین باید لحاظ شود، عامل زمان است. یک اصل کلی این است که تحریم‌ها در کوتاه‌مدت نتیجه نمی‌دهند؛ از سوی دیگر، زمان هرچه طولانی‌تر باشد، در کنار هدفی که تحریم‌کننده برای تحریم قرار داده است، می‌تواند منجر به جنگ بشود و یا نشود. به‌عنوان مثال، عراق سال‌های زیادی با هدف تغییر رژیم مورد تحریم آمریکا بود. تحریم‌هایی که باعث شد تا بنیه عراق در هم شکسته شود، به‌میزانی که عملیات نظامی صرفاً در حد یک تیر خلاص کاربرد پیدا کرد. سوال این است که آیا آمریکا در مورد ایران نیز خواسته یا ناخواسته وارد همین مسیر خواهد شد؟ نظر این است که تحریم‌ها علیه ایران برخلاف تحریم‌ها علیه صدام حسین که

همه‌جانبه بود، هم هدفمند است و هم تدریجی.<sup>۱</sup> از نظر تاثیرگذاری تحریم‌ها که سؤال اساسی همه نظریه‌پردازان است، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. مقامات آمریکایی با ذکر عدد و رقم و آمار بر این نظر هستند که تحریم‌های اقتصادی علیه ایران موثر بوده است. مقامات آمریکا مکرر بیان می‌کنند که از لحاظ سیاسی، ایران تنها کشوری است که بر اساس ماده ۴۱ فصل هفت منشور در زمینه هسته‌ای، قطعنامه گرفته است و به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی شناخته شده است.<sup>۲</sup> تحریم سپاه قدس در کنار تحریم بانک‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران، از دستاوردهایی است که آمریکا بدان دل بسته است. واشنگتن حتی امیدوار است کل سپاه را تحریم نماید.<sup>۳</sup> نکته مهم و خطرآفرین این است که آمریکا برای اولین بار سازمان نظامی یک کشور را رسماً تحریم می‌کند و در لیست سازمان‌های تروریستی قرار می‌دهد؛ امری که می‌تواند به‌عنوان یک رویه در راستای پیاده‌سازی هنجارهای مورد نظر تنها هژمون جهان تداوم یابد. همچنین، مقامات آمریکائی همکاری ۴۰ بانک برای فشار به ایران در سطح بین‌المللی را به‌عنوان دستاورد سیاست‌های خود مطرح می‌کنند. قطع رابطه مالی بانک‌هایی مانند USB سوئیس، قطع رابطه اعتباری HSBC سوئیس و سازمان‌های چندملیتی از جمله اقدامات دیگر است.<sup>۴</sup> آنچه که در زمینه قطعنامه‌های شورای امنیت می‌تواند مورد سوءاستفاده آمریکا قرار گیرد، تفسیری است که از آخرین قطعنامه این شورا خواهد شد. بر اساس تفسیر آمریکا از این قطعنامه برای اولین بار، کاوش کشتی‌ها به مقصد ایران که مظنون به حمل سلاح هستند، به‌عنوان یک امر اجباری برای کشورها مطرح شده است.<sup>۵</sup> قطعنامه اخیر کنگره آمریکا که هنوز به تصویب نرسیده (که بر اساس آن ایران مورد محاصره قرار می‌گیرد) نیز باید در همین چارچوب تحلیل شود. آنچه در مورد این قطعنامه قابل تامل است این است که این قطعنامه چون خطر جنگ را افزایش می‌دهد، از این رو مورد اعتراض برخی از نخبگان آمریکا قرار گرفت و در کنگره نیز پیگیری نشد. با این همه کسانی که کارآمدی تحریم علیه ایران را نقد می‌کنند معتقدند در تحریم باید شرایط زیر لحاظ شود تا تحریم موفق شود: ۱. کسب حمایت گسترده بین‌المللی و در راس آن سازمان ملل؛ ۲. تمرکز بر افراد و بخش‌های کلیدی جمهوری

1. New York Times, 2007

2. Crail, 2007

3. Crail, 2007

4. New York Sun, 2007

5. Christian Science Monitor, 2008

اسلامی ایران؛ ۳. تمرکز بر تغییر سیاست و رفتار و نه تغییر حکومت؛ ۴. تحریم باید به‌عنوان بخشی از سیاست کلان هویج و چماق باشد؛ ۵. نمایش قدرت نظامی باید کاهش یابد.<sup>۱</sup>

### تحریم و صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران

چون صنعت نفت پایه‌ای‌ترین بخش اقتصاد ایران است، همیشه از موضوعات مورد نظر در تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان نیز بوده است. از این حیث در آمریکا و تا حد زیادی در غرب این اجماع شکل گرفته که نفت پاشنه آشیل اقتصاد ایران به‌حساب می‌آید. با این همه علیرغم تلاش‌های آمریکا در این مورد، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل تا دسامبر سال ۲۰۰۶ نیز صنعت نفت ایران را هدف تحریم خود قرار نداده بود.<sup>۲</sup> یکی از دلایل مهم این امر، نگرانی بازار نفت از قیمت بالا بود.<sup>۳</sup>

در مراحل اولیه، فشارهای دیپلماتیک آمریکا باعث شد تا شرکت‌هایی مانند توتال و شل، در اجرای پروژه‌های خود در ایران تاخیر کنند و بانک‌های اروپایی نیز از تامین مالی عملیات و توسعه استخراج نفت ایران انصراف دهند. با این‌حال بنا به تحلیل نیویورک تایمز، در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷، شرکت نفت گازپروم روسیه مبلغ ۴ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری کرد. این شرکت همچنین تلاش کرده است تا ارتباط خود در زمینه نفت و گاز را با ایران گسترش دهد و به‌همین ترتیب در فوریه ۲۰۰۸ اعلام کرد که فعالیت خود در زمینه توسعه پارس جنوبی را افزایش خواهد داد. همچنین بلافاصله بعد از آن که توتال انصراف خود را از توسعه پارس جنوبی اعلام کرد، شرکت گازپروم قرارداد چند میلیارد دلاری را در همین ارتباط با شرکت ملی نفت ایران به‌منظور کمک به‌ایران برای توسعه صنعت نفت و گاز ایران امضا نمود. به‌علاوه، آقای الکسی میلر رئیس این شرکت در ملاقات با رئیس جمهور ایران در ۱۳ جولای ۲۰۰۸، تمایل شرکت خود برای مشارکت در توسعه منطقه نفتی آزادگان را اعلام کرد. دو هفته بعد نیز ایران اعلام کرد که با چین به‌توافق رسیده است تا به‌میزان یکصد میلیارد دلار از ایران گاز طبیعی خریداری کند و در توسعه صنعت نفت ایران نیز همکاری کند. متقابلاً ایران پذیرفت تا روزانه یکصد و پنجاه هزار بشکه نفت بر اساس قیمت روز به چین

1. Jentleson, 2007

2. www.jewishpolicycenter.org/article/25

3. www.ssb

بفروشد.<sup>۱</sup>

با این همه در آمریکا این نظر وجود دارد که از ژوئن ۲۰۰۵ به این سو، ایران نتوانسته است با هیچ شرکت سرمایه‌گذاری خارجی در امر نفت قرارداد مستحکمی منعقد نماید.<sup>۲</sup> اخیراً نیز نخست‌وزیر انگلستان اعلام کرد به دنبال آن خواهد بود تا جهان را برای تحریم سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران بسیج کند.<sup>۳</sup> صمنا، اگر چه تا کنون بیشترین تحریم‌ها در صنعت نفت ایران به صورت یکجانبه توسط آمریکا اعمال شده است، اما همین امر اثرات روانی خود را بر جای گذاشته به طوری که حتی بدون وضع تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، برخی از شرکت‌های غیرآمریکایی پیشاپیش از تحریم‌های ایالات متحده تبعیت کرده‌اند. مثلاً، در بحث‌هایی که در کنگره آمریکا در می ۲۰۰۷ توسط سناتور نرم کلمن<sup>۴</sup> مطرح شد، از این که شرکت‌های بزرگی مثل شرکت BP از عقد قراردادها کلان با ایران خودداری کرده‌اند، اظهار رضایت می‌شد. در جلسات مربوطه در کنگره آمریکا بر این نکته تأکید می‌شده است که نیمی از درآمد ایران ناشی از نفت است و چهل درصد از بنزین مصرفی کشور نیز وارد می‌شود. بر همین اساس و بر مبنای مطالعه دانشگاه جان‌هاپکینز، پیش‌بینی شد که ایران چنانچه یکصد میلیارد دلار در بخش صنعت نفت خود سرمایه‌گذاری نکند، تا سال ۲۰۱۵ صادرات نفت این کشور به صفر می‌رسد.<sup>۵</sup>

نکته مورد تأکید طرفداران تحریم این است که پول نفت باعث رشد ۶ درصدی اقتصاد در دولت نهم شده است.<sup>۶</sup> این نظریه باعث شده تا غرب بیش از پیش بر محدودسازی صدور نفت ایران نظر داشته باشد، آنان این روش را در رسیدن به هدف سریع‌تر می‌دانند. ضمناً، این روزها قطع واردات بنزین ایران از سوی برخی به یکی از اهداف مهم تحریم، تبدیل شده است.<sup>۷</sup> این نکته بخصوص از سوی کسانی مطرح می‌شود که از این که اوباما با ایران وارد مذاکره بدون پیش شرط شود، نگران هستند. از این حیث جریان جدیدی در آمریکا در حال شکل‌گیری است که به دنبال آن است تا با ارائه طرح‌ها و بیانه‌هایی فضای تعامل با ایران را مسدود نماید. افراد و عناصری که با این

1 . Washington Times, 2008

2 . findarticles.com2007

3 . NYtimes.com

4 . Norm Coleman

5 . Coleman and Mark Kirk 2007

6 . World Politics Review, 2008

7 . www.missourigasprices.com/news/Irans



جریان همکاری دارند از مقامات سابق دولت و از هر دو حزب هستند. با این همه، حتی با وجود فشارهای لابی یهود نیز دولت‌های غربی و حتی دولت بوش مقاومت می‌کنند.<sup>۱</sup> کاهش بهای نفت و پایین نگه داشتن آن توسط آمریکا از جمله راه‌هایی است که این گروه‌ها به دولت جدید اوپاما پیشنهاد می‌دهند. منطق پایین نگه داشتن قیمت نفت، این است که سقوط رژیم شاه و حتی فروپاشی شوروی، به دلیل قیمت پایین نفت بوده است. در همین ارتباط به گزارش Andrew Scott Cooper نیز اشاره می‌شود، در این گزارش که مربوط به دوره نیکسون - کیسنجر است ادعا شده است که در آن زمان رامزفیلد علی‌رغم مخالفت افرادی مانند کیسینجر، بر کاهش قیمت نفت تاکید نمود تا جایی که در نهایت منجر به سقوط شاه شد. از دید کوپر اقتصاد ایران در وضع فعلی درست همانند وضعیت اقتصادی ایران قبل از انقلاب است.<sup>۲</sup> فریدمن روزنامه‌نگار معروف نیویورک تایمز نیز ضمن استقبال از نصف شدن قیمت نفت، از قول یک نفر از روسیه مدعی شد که در واقع کاهش بهای نفت عامل اصلی فروپاشی شوروی سابق بود. به‌زعم فریدمن، در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز این سناریو قابل تکرار است.

اگر چنین باشد، مخاطب تحریم نیز مردم عادی هستند و نتیجه نهایی آن از دید طرفداران تحریم، بی‌ثبات‌سازی است. آن چه که در مورد سیاست اوپاما در ارتباط با تحریم‌ها گفتنی است، این است که او ضمن اختصاص دادن اولین مناظره انتخاباتی خود به برنامه هسته‌ای ایران، اعلام کرد که تحریم‌های شدیدتری نیاز است. تفاوت وی با مک‌کین رقیب انتخاباتی اش در این مورد این بود که وی معتقد است بدون کمک روسیه و چین نمی‌توان تحریم‌ها را اعمال نمود. او در مناظره دوم موضوع را گسترده‌تر کرد. اگر ما بتوانیم از نظر دیپلماتیک برای تحکیم تحریم، به‌طور موثر کار کنیم، اگر ما مصرف انرژی را از طریق استفاده از انرژی‌های جایگزین کم کنیم که از این طریق پول کمتری عائد ایران شود، اگر بتوانیم آنها را از وارد کردن بنزین مورد نیاز و فرآورده‌های نفتی پالایش شده محروم کنیم، می‌تواند محاسبه هزینه و فائده آنها را تغییر دهد.<sup>۳</sup>

میخائیل رایس مسول طراحی سیاست خارجی آمریکا در دور اول ریاست جمهوری بوش در این ارتباط می‌گوید: بهای پایین نفت، اقتصاد تحت فشار ایران را با محدودیت بیشتری روبرو می‌کند. وی برای رفع نگرانی در مورد مانع‌تراشی چین و

1. Robert Naiman, 2008

2. Los Angeles Times (17 October 2008)

3. Weekly Standard, 2008

روسیه نیز می‌گوید: سعودی‌ها معیار رابطه خود با چین را چگونگی برخورد پکن با جمهوری اسلامی ایران قرار داده‌اند. در مورد روسیه نیز می‌توان اطلاعاتی در مورد ارتباط ایران با برخی از گروه‌های تندرو در قفقاز و آسیای مرکزی را مورد معامله قرار داد.<sup>۱</sup> با این همه، با توجه به بحران مالی جاری، به نظر می‌رسد بسیار ساده‌انگارانه باشد که طرفداران تحریم بتوانند اجماع لازم به منظور فشار همه‌جانبه بر ایران را به دست آورند. از این رو، عنصر اساسی موفقیت تحریم که حمایت بین‌المللی از تحریم‌هاست در حالتی مبهم قرار دارد. ولی نکته منفی این است که بحران جاری خود به خود اثر اساسی بر تقاضا خواهد داشت. تداوم این امر می‌تواند توان ایران در زمینه‌های مختلف از جمله در زمینه سرمایه‌گذاری در صنعت نفت (که شرط لازم تداوم تولید و صدور نفت است) را مشکل می‌نماید.

### منابع و مآخذ

1. Bruce W. Jentleson "Economic Sanctions and Post-Cold War Conflicts: Challenges for Theory and Policy, Hegemonic Approach of Economic Sanctions" Paper presented at the annual meeting of the International Studies Association, Town & Country Resort and Convention Center, San Diego, California, USA, Mar 22, 2006 <Not Available>. 2008-06-11, <[http://www.allacademic.com/meta/p100462\\_index.html](http://www.allacademic.com/meta/p100462_index.html)>.
2. Clawson, Patrick. (Winter 2007) "Could Sanctions Work against Tehran?", Middle East Quarterly.
3. Charles H Blake, Noah Klemm. (2006) Reconsidering the Effectiveness of International Economic Sanctions: An Examination of Selection Bias. *International Politics* 43:1, 133
4. Charles A. Rarick (2007) ECONOMIC SANCTIONS: FAILED FOREIGN POLICY TOOL AND A COST TO AMERICAN BUSINESS *Economic Affairs* 27 (3), 65-70 doi:10.1111/j.1468-0270.2007.00757.
5. Cortright, David and Lopez, George A. (1995, summer/fall) Sanction sara, an alternative to military intervention, the flecher forum
6. Jentleson, Bruce W. (18 November 2007) "Sanctions against Iran: Difficult But Doable", News & Observer.
7. Jentleson, Bruce W. (31 October 2007) "Can Sanctions Work in Iran?", IPS. Iran's Oil Industry: A House of Cards? - inFocus Quarterly Journal
8. Accordingly, in December 2006, the U.N. Security Council voted to

1. Mitchell B. Reiss, 2008

- only issue limited economic sanctions against Iran, but not its energy sector. [www.jewishpolicycenter.org/article/25-28k-Cached-Similar](http://www.jewishpolicycenter.org/article/25-28k-Cached-Similar) pages
9. Kimberly Ann Elliot, 2003. PFO 03-26: April 1, 2003 The Role of Economic Leverage in Negotiations with North Korea Authors: Lacy, Dean<sup>1</sup>; Niou, Emerson M. S. Source: The Journal of Politics, Volume 66, Number 1, February 2004 , pp. 25-42(18)
  10. Levitt, Matthew. (25 October 2007) "Iran Sanctions: Can They Be Effective?". Policy Watch.
  11. Lopez and Cortright, suggest that sanctions "fall into a gray area between humanitarian law and the rules of warfare." (Martin, Lisa L. "Credibility, Costs, and Institutions: Cooperation on Economic Sanctions." World Politics 45:3, 1993).
  12. Merom, Jil. (1990) "Democracy, Dependency, And Destabilization: The Shaking of Alende's Regime", Political Science Quarterly, Vol. 105,
  13. Nikolay Marinov, Do Economic Sanctions Destabilize Country Leaders? , American Journal of Political Science, Volume 49, Issue 3, Page 564-576, Jul 2005, doi: 10.1111/j.1540-5907.2005.00142.x
  14. Mitchell B. Reiss, "Comment on 'We Can Probably Live with Limited Enrichment'" <http://blogs.cfr.org> (22 October 2008). Mitchell B. Reiss served as Director of the Office of Policy Planning at the U.S. Department of State from July 2003 to February 2005.
  15. Nossal, Kim R. (Spring 1989) "International Sanctions as International Punishment", International Organization, vol. 43, no. 2.
  16. Robert Naiman: Want Lower Gas Prices? Lift AIPAC's Sanctions on Iran 1 Aug 2008 ... "Sanctions are pushing up the cost of oil," notes Juan Cole in a recent ... to reject AIPAC's resolution seeking to ban Iran's gas imports... [www.huffingtonpost.com/robert-naiman/want-lower-gas-prices-lif\\_b\\_116341.html](http://www.huffingtonpost.com/robert-naiman/want-lower-gas-prices-lif_b_116341.html) - 120k - Cached - Similar pages
  17. Iran News - Breaking World Iran News - The New York Times British Prime Min Gordon Brown says Britain will push for worldwide ban on foreign investment in Iran's oil and gas industry and other financial sanctions... [topics.nytimes.com/top/news/international/.../iran/index.html?query=OIL%20\(PETROLEUM](http://topics.nytimes.com/top/news/international/.../iran/index.html?query=OIL%20(PETROLEUM)
  18. Senator Norm Coleman (R-MN) and Representative Mark Kirk (R-IL) on the Iranian challenge. Senator Coleman serves on the Senate Committee on Foreign Relations, where he is the Ranking Member on the Subcommittee on Near Eastern and South and Central Asian Affairs. Representative Kirk, a fourth term congressman, serves on the House Appropriations Committee and the Subcommittee on Foreign Operations.
  19. Sanctions are squeezing oil-rich Iran | Deseret News (Salt Lake ... Iran has signed no firm oil or gas contracts with foreign investors since June

- 2005, when Mahmoud Ahmadinejad was elected president...  
findarticles.com/p/articles/mi\_qn4188/is\_20070213/ai\_n17221136/pg\_1  
- 42-
20. Statistics Norway: Oil market, 2006 - Continued gain in crude oil ...In addition, Iranian nuclear issues concerned the oil market. ... market was less worried that UN would carry out economic sanctions on Iran in near future. ... www.ssb
21. Van Bergeijk, Petter A.G. (1989) "Success and Failure of Economic Sanctions", *Kyklos*, Vol. 42, fase/3/385-404
22. World Politics Review | Iran's Inflation Woes Leave Ahmadinejad ... 30 Jul 2008 ... Oil money has fueled Iranian economic growth of 6.5 percent in ... economic sanctions aimed at halting Iran's controversial nuclear program... www.worldpoliticsreview.com/ article.aspx?id=2508 - 57k - Cached - Similar pages
23. Iran's gasoline imports prime target for sanctions - Missouri Gas ... The Globe And Mail -- WASHINGTON -- For a quarter-century, the United States has used economic sanctions to squelch Iran's nuclear ambitions and choke off www.missourigasprices.com/news/Irans\_gasoline\_imports\_prime\_target\_for\_sanctions/8435\_317690/index.aspx-74k-  
Cached - Similar pages

